

بررسی آیه ۱۱ سوره غافر و ارتباط آن با بحث رجعت با رویکرد پاسخ به شبهات*

مجتبی نوروزی**

مرضیه بخشی‌نیا***

چکیده

مفسرینی از شیعه با توجه به روایات رسیده در ذیل یازدهمین آیهی سورهی غافر، تعبیر دو مرگ و زندگی موجود در آیه را مربوط به بحث رجعت می‌دانند؛ رجعت را از وعده‌های الهی خداوند دانسته‌اند که به واسطه آن ذات باری تعالی، در هنگام ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام، گروهی از مردگان را به همان صورتی که بودند به دنیا برمی‌گرداند تا گروهی عزیز و گروهی را ذلیل‌کند؛ به تبع آن حق مظلوم را از ظالم بازستاند. با توجه به اختلاف نظرات تفسیری راجع به اختصاص بحث رجعت در آیهی ۱۱ سورهی غافر، به دنبال شفاف‌سازی اختصاص مرگ‌های دوگانه مربوط به کفار؛ به روش توصیفی و تحلیل سیاقی، مفهوم صحیح این آیه بر اساس پاسخگویی به شبهات موجود بررسی می‌گردد. با وجود قرائن سیاقی از آیه و اخبار آحاد در روایات رسیده در بحث رجعت ذیل آیهی مورد نظر، این آیه مربوط به عموم کفار است و نمی‌تواند مربوط به کفار در زمان رجعت باشد؛ اما با مقایسه‌ی مشخصات کفار در زمان رجعت و مشخصات کفار در سوره‌های هم‌سیاق با سورهی غافر (حوامیم) مشخص می‌شود که: این افراد در کفر محض هستند و عذاب الهی از آنها برداشته نمی‌شود؛ بنابراین با مشخصات کفار در زمان رجعت مطابقت دارد و می‌تواند به استناد سیاقی، منظور از دو بار میراندن و زنده کردن کفار، دو بار عذاب الهی برای آنان است.

کلیدواژه‌ها: رجعت، سیاق، کفار محض، معاد، غافر.

* تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۰۱/۱۳

** استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن مشهد (نویسنده مسئول)

*** دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد

۱- مقدمه

رجعت از موضوعات اعتقادی فریقین است؛ هرچند اصل آن را پذیرفته‌اند، ولی در مصادیق و نحوه‌ی اجرای آن با هم اختلاف نظر دارند؛ در این تحقیق مبنا ادله‌ی شیعیان است، یعنی بازگشتن عده‌ای از خالصان و پاکان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام برای یاری ایشان و همچنین بازگشت عده‌ای از کفار و دشمنان برای انتقام گرفتن از آنان است. تعدادی از تفاسیر روایی و تفاسیر دیگر به استناد روایت و بررسی مرگ‌های چندگانه در آیات قرآن، یازدهمین آیه‌ی سوره‌ی غافر با این مضمون «قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا اِنتَنِيْنِ وَ اُحْيَيْتَنَا اِنتَنِيْنِ فَاَعْرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَىٰ حُرُوْجٍ مِّنْ سَبِيْلٍ» «گویند: پروردگارا، ما را دو بار میراندی و دو بار زنده گرداندی - اکنون به زندگانی آخرت یقین کردیم -، اینک به گناهانمان اقرار داریم، پس آیا هیچ راهی به سوی بیرون شدن [از این دوزخ] هست؟» (مجتبوی، ۱۳۷۱: ۴۶۸/۱) را مربوط به بحث رجعت دانسته‌اند، با توجه به اینکه نوع مرگ و زندگی موجود در آیه را در تفاسیر به صورت‌های مختلف بیان شده‌است؛ بنابراین با بررسی سیاقی آیاتی که مربوط به کفار است در سوره‌های هم‌نزول با سوره‌ی غافر که سوره‌های حوامیم می‌شود؛ و مقایسه‌ی آن با بحث رجعت، شبهه‌ی ابهام در «اختصاص مرگ‌های دوگانه به بحث رجعت» بررسی خواهد شد.

در زمینه‌ی اثبات بحث رجعت و ابهام‌زدایی از اخبار رسیده و تطبیق با آیات قرآن، تحقیقاتی در این دهه‌ی اخیر، بین مقالات و پایان‌نامه‌ها صورت گرفته و متقابلاً در این بین، تعدادی برای اثبات «رجعت» به این آیه استناد و عده‌ای نیز رجعت و روایات اسنادی رسیده آن را سنجش کرده‌اند؛ از آن جمله مقالات:

- «رجعت از دیدگاه قرآن و احادیث» اثر زهره سادات نبوی، سال ۱۳۸۷ در مجله بینات؛
 - «رمز گشایی مرگ‌های دوگانه در قرآن» اثر معصومه آگاهی در سال ۱۳۹۰
- موجود در مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، و «منبع‌شناسی موضوع رجعت» اثر سید مجید نبوی در سال ۱۳۹۳ واقع در مجله امامت پژوهی،

بررسی آیه ۱۱ سوره غافر و ارتباط آن با بحث رجعت با رویکرد پاسخ به شبهات ۲۳۷

• «بررسی تفسیری مراحل امامت و احیاء مبتنی بر آیه ۱۱ سوره غافر»، اثر آرش رجبی و علی نصیری در سال ۱۳۹۵ واقع در فصلنامه مطالعات تفسیری؛

همچنین پایان‌نامه‌هایی با عناوین:

• «رجعت در دیدگاه قرآن و سنت از منظر فریقین» اثر سیدنسیم حیدرزید در سال ۱۳۸۴؛

• «اثبات رجعت در آیات و روایات» به نگارش پروین صفا بخش در سال ۱۳۸۸؛

• «بررسی و نقد دیدگاه‌های مختلف درباره رجعت و حکمت و فلسفه آن» اثر سید

امین‌الله عدنانی‌ساداتی ۱۳۹۲؛

منابع دیگری با بحث معاد و تفسیر موضوعی آن و کتاب‌هایی با عنوان پاسخ به شبهات نیز به این موضوع پرداخته‌اند، مانند: کتاب «التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب» اثر محمدهادی معرفت که در خلال بحث رجعت به شبهه‌ی موجود پاسخ گفته‌است.

منابع روایی و بعضی از تفاسیر این آیه را در بحث رجعت دانسته‌اند، ولی به صورت موردی به این آیه نپرداخته‌اند و در خلال بحث از آن یاد شده‌است؛ در مقاله‌ی «رمزگشایی مرگ‌های دوگانه» به موضوع اختلاف آیه‌ی موردنظر با آیه‌ی «لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى» (دخان: ۵۶) و دیگر آیات مربوط به مرگ و زندگی، بررسی شده‌است. آیه را به رجعت اختصاص داده و مقاله‌ی «بررسی تفسیری آیات امامت و احیاء» تمام آیات مربوط به مرگ و زندگی را بررسی کرده‌است؛ ولی بیشتر به بحث شمارش تعداد مرگ و زندگی پرداخته‌اند. اما در پاسخ به این شبهه که آیا می‌توان بحث رجعت را در مورد آن اثبات کرد؟ موردی در این زمینه با احصاء نویسنده‌ی مقاله‌ی پیش‌رو، دیده نشده‌است. با بررسی سیاقی آیه ۱۱ سوره غافر و دیگر سوره‌های هم‌نزول و هم‌سیاق با آن، مشخصات کفار با مشخصات کفار در زمان رجعت مقایسه می‌شود و در انتها، شبهه‌ی تناقض بحث رجعت و انتصاب آن به آیه ۱۱ سوره غافر، در طول پژوهش پاسخ داده می‌شود.

۲- روش تحقیق

مطالب مربوط به پژوهش پیش‌رو با جمع‌آوری کتابخانه‌ای به روش توصیفی و تحلیلی، ابتدا به بررسی لغوی واژگان موردنظر، از قبیل «رجعت»، «اماته»، «موت و اثنین» می‌پردازد؛ سپس تفسیر مرگ و زندگی موجود در آیه و پاسخ به شبهات آن از دیدگاه مفسران شیعه، به صورت خلاصه بیان می‌گردد؛ در ادامه با اثبات هم‌سیاق بودن آیات مربوط به کفار در سوره‌های حوامیم و مقایسه‌ی آن با اخبار مربوط به رجعت در ذیل آیه‌ی مورد نظر، دیدگاه جدید باز تفسیر خواهد شد.

۳- مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی

واژگان موجود در بحث پژوهش از لحاظ لغت ادبی و در اصطلاح تفسیری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- واژه رجعت در لغت

نظرات لغویون در وضع واژه‌ی «رجعت» به همدیگر نزدیک است؛ ریشه‌ی اصلی آن از «رَجَع، یرجع، رجوعاً»، به معنای بازگشت است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۹۰؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸/۱۱۵). و مصدر مره به معنای یکبار بازگشت می‌باشد. این واژه با فتح راء تلفظش صحیح‌تر است؛ ابن فارس بازگشت مرد به اهلش بعد از طلاق را هم رجعت بیان می‌کند (فیومی، ۱/۱۴۱۴: ۲۲۰؛ ازهری، ۲۳۶: ۱۴۲۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱/۲۲۵؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۱/۲۲۲). فیروز آبادی در معنای ایمان به رجعت می‌گوید: «... بالرجوع إلی الدُّنیا بعدَ الموتِ...» بازگشت به دنیا بعد از مرگ است (القاموس المحيط، ۱۴۱۵: ۳۶/۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴/۳۳۵؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲/۴۵). جوهری در صحاح خود، گاهی به رجعت «کره» نیز اطلاق می‌شود (الصحاح، ۱۳۷۶: ۲/۸۰۵). اصل معنای ماده در تعابیر مختلف در قرآن از «رجع» همان بازگشت است؛ «ایاب»، «رد»، «حشر»، «عود» از

بررسی آیه ۱۱ سوره غافر و ارتباط آن با بحث رجعت با رویکرد پاسخ به شبهات ۲۳۹

دیگر کاربردهای این واژه می‌باشد؛ یعنی یک مبدأ و آغازی باشد که از جایی دوباره به آن برگردد و هیچ‌گونه قیدی در آن لحاظ نشده است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۶۷۹/۴).

۱-۱-۳- واژه رجعت در اصطلاح شیعه

رجعت اصطلاحی در فرهنگ اسلامی، بخصوص شیعه، «ناظر به بازگشت گروهی از مردم پس از مرگ به همین جهان برای تحقق امری از پاداش یا کیفر که در زندگی پیشین آنها فرصت تحقق آن نبوده است. آنچه از فرهنگ لغت به دست آمده است؛ از سده‌ی قرن دوم «خلیل بن احمد» و بعضی از لغوین به طور اجمال به آن اشاره کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۲۵/۱). کهن‌ترین مباحث مدون از متکلمان امامیه درباره‌ی رجعت از «شیخ مفید و سید مرتضی» می‌باشد. از آنجا که بحث رجعت مناقشه‌آمیز بین متکلمان است و به آیاتی از قرآن استناد کرده و یا از ظاهر آیات به تأویل روی آوردند؛ عده‌ای با تکیه بر آیاتی مثل آیه‌ی ۱۰۰ سوره‌ی مؤمنون: «... وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» اعتقاد دارند؛ بعد از مرگ تا قیامت چیزی جز برزخ نیست در مقابل متکلمان چون شیخ مفید (اوائل، ۱۴۱۴: ۷۸/۱) و شریف مرتضی (رسائل، ۱۴۰۵: ۱۳۵/۳) در دفاع از رجعت به آیات متعدد از قرآن استناد جستند؛ در ذیل آیات به روایاتی از امام رضا علیه‌السلام (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۲۷۷/۲) و امام صادق علیه‌السلام تمسک جستند؛ به هر روی آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی غافر از آن دسته، آیات استنادی به بحث رجعت توسط شیخ مفید می‌باشد» (پاکتچی، ۱۳۹۹: ۲۸ و).

۲-۳- واژگان امانه و احیاء

واژگان ضروری برای فهم آیه که نوع تفسیر را متفاوت کرده است دو کلمه‌ی «أَمَّنَّا» و «أَخْيَيْنَا» از این قسمت آیه است که می‌فرماید: «رَبَّنَا أَمَّنَّا اٰثْنَتَيْنِ وَ اٰخْيَيْنَا اٰثْنَتَيْنِ...» (غافر/۱۱) بنابراین از لحاظ صرفی و نحوی در آیه روشن می‌شود: «أَمَّنَّا» فعل ماضی مبنی بر سکون؛ «ت» ضمیر متصل در محل رفع و فاعل و «نا» ضمیر متصل در محل نصب مفعول به؛ «أَخْيَيْنَا»

فعل ماضی، مبنی بر سکون «ت» ضمیر متصل، در محل رفع و فاعل؛ «نا» ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به است. (صحرائی، ۱۳۸۴: ۱۰۲۲)

واژه‌ی «أَمَّتْ» از ریشه‌ی (مَوَتَ) - ماتَ یَماَتُ - «مُوتَانُ الْأَرْضِ» به کسی که دیگر در زمین عمر نکند و فاقد روح باشد؛ می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۰/۲). همزه در ابتدای این فعل نشانه‌ی تعدی است که به باب افعال در صیغه‌ی هفتم رفته‌است (صافی، ۱۴۱۸: ۱۱/۱۰۶؛ لسان العرب، ۱۴۱۴: ۹۳/۲) بنابراین حذف حرف عله را داریم و در ترجمه گفته می‌شود: «میراندی» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۴۶۸)

«أَخْيَّتْنَا» فعل از ریشه‌ی (ح ی و) ضد واژه «موت» است. (موسی، ۱۴۱۰: ۱۰۹/۱) به معنای زندگی، حیات در کلام اللّٰه مجید به حیات عادی انسان و حیوان و نبات، و به حیات دینی و ایمانی گفته شده‌است (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/۲۱۰). این فعل با عطف به فعل قبلی همان اعراب را گرفته است و متعدی شده و در معنا می‌شود: «زنده کردی» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۴۶۸).

۳-۳- واژه‌ی «أُنْتِنِي» در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی غافر

واژه‌ی «أنتین» الف آن همزه‌ی وصل است و در اصل «تَنِي» است (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۰۳/۱۵). به معنای جمع بر اثناء است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱۶/۱۴). این تغییر در کلمه «تَنِي» یا به اعتبار عدد است و یا به اعتبار تکرار کردن و معطوف شدن معنی آن یا بنا بر هر دو اعتبار می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۳۶۵). تکرار عدد یک است و یکی بر آن اضافه شده‌است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲/۳۷). مفعول مطلق برای فعل محذوف «اماتین» است یعنی «أمتنا إِمَاتِين» ما را میراندی چگونه میراندنی؟ (کرباسی، ۱۴۲۲: ۷/۹۳). واژه «أنتین» به معنای دو مرگ و زندگی یا دو میراندن و زنده شدن اطلاق دارد (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴/۴).

۴-۳- سیاق آیات

عالمان دینی در تعریف اصطلاحی «سیاق» وحدت رویه ندارند و تعاریفی مجزا برای آن طرح کرده‌اند؛ اما در سه اصل ظهور سیاق مشترکند؛ اینکه «سیاق را «قرینه‌ی لفظی» در کلام می‌دانند که در بین آیات با وحدت موضوعی، ظهور پیدا می‌کند؛ به شکلی که هر یک از اجزاء می‌تواند، برای جزء دیگر قرینه محسوب شود. منظور از اجزاء همان کلمات، الفاظ و آیات هستند؛ چون قرآن به صورت تدریجی و در مناسبت‌های گوناگون نازل شده‌است، گاهی مجموعه‌ای از آیه‌ها به مناسبتی نازل می‌شده و بین آنها ارتباط ذاتی برقرار بوده‌است. این یعنی همان چیزی که در اصطلاح دانشمندان، سیاق نام دارد.» (معرفت، ۱۴۱۰: ۲۸۰/۱) اما می‌توان حوزه‌ی آن را گسترش داد و سیاق را شامل هر نوع قرینه‌ی متصل و منفصل که با الفاظ و عبارات مورد نظر ما پیوند بخورد دانست، که قدمای علم لغت از قرینه‌ی حال و مقام از آن سخن گفته‌اند (صدر، ۱۴۰۶، ج ۱: ۹۰).

۴- شبهه‌ی تناقض تعداد مرگ و زندگی با آیه ۱۱ سوره‌ی غافر

شبهه‌ای که در ذیل آیه ۱۱ سوره غافر می‌باشد: ناهمانگی تعداد مرگ و زندگی بیان شده بین این آیه و آیاتی است، که خبر از یک مرگ و زندگی را بیان می‌کنند؛ همچنین پاسخ به آن و نسبت دادن بحث به رجعت و تأویل آیه که با بیان مختصر آن، موضوع روشن می‌شود.

۴-۱- وجوه مرگ در قرآن

واژه‌ی «موت» به‌عنوان یک کلمه‌ی چند وجهی شناخته می‌شود که در آیات قرآن با مصادیق شناخته می‌شود؛ در ادامه به پنج وجهی که بر آن اطلاق شده‌است، اشاره می‌گردد (دامغانی، ۱۴۱۶: ۲۱۸؛ تفلیسی، ۱۳۷۱: ۲۷۹/۱).

۱- در این آیات «موت» به معنای «نطفه» حالتی قبل از انتقال به دنیا اطلاق می‌شود؛

• «... وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ...» (بقره/۲۸)

- «... وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ...» (آل عمران/ ۲۷)
- ۲- در آیات ذیل «موت» به معنای «گمراهی» (در برابر توحید) است.
- «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ...» (الانعام/ ۱۲۲)
- «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ» (فاطر/ ۲۲)
- «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى...» (النمل/ ۸۰)
- ۳- «موت» در آیاتی به معنای «فقدان گیاه در زمین» یا کمبود آن است؛ در آیات زیر به این معانی وارد شده است:
- «... حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ...» (الأعراف/ ۵۷) یعنی زمینی که در آن گیاه نیست.
- «وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَ أَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ» (یس/ ۳۳) المیتة‌ی زمینی که در آن گیاه نیست.
- ۴- «موت» یعنی سرانجام حتمی بر اساس عقوبت و در مورد رزق و زمان مرگ می‌باشد، چنان‌چه در این آیات بیان شده است:
- «ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ...» (بقره/ ۵۶) «مَنْ بَعْدَ مَوْتِكُمْ» به معنای «آجالکم» آمده است. (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۷)
- ۵- «موت» به معنای زمان رسیدن اجل و مرگی که در آن بازگشت نیست. چنان‌چه در سوره‌ی «زمر» خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفته می‌شود.
- «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ...» (آل عمران/ ۱۸۵)
- «لَا يَدُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَ وَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (دخان/ ۵۶)

۲-۴- تفاوت مرگ با میراندن در آیه‌ی ۱۱ سوره غافر

مفسران در حل تفهیم، تفاوت تعداد مرگ‌های موجود در آیات چند راه‌حل ارائه‌دادند، تحقیق‌های انجام شده به صورت مبسوط آنها را توضیح دادند، به صورت اجمال مراحل آن را در سه محور توضیح داده می‌شود. در این بین عده‌ای از مفسران هم معنا دانستن با آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی بقره: «... كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ مِيتَكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ...» را اشکال گرفته و در حل آن

بررسی آیه ۱۱ سوره غافر و ارتباط آن با بحث رجعت با رویکرد پاسخ به شبهات ۲۴۳

تفاوت دو واژه «موت» و «اماته» را مطرح کردند: «موت» به معنای نیستی است؛ ولی «اماته» یعنی میراندن که باید مسبوق به حیات باشد بنابراین نمی‌توان مرگ ابتدایی را زمان نطفگی یا عالم ذر دانست (رجبی، ۱۳۹۵: ۱۵۹-۱۸۰؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۴۱۱/۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۵/۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۳/۱۷). در ادامه انواع مرگ که با مرگ در آیه ۱۱ سوره غافر که مورد شمارش قرار گرفته است؛ مطرح می‌شود.

۳-۴- انواع مرگ در قرآن

بر اساس آیات قرآن کریم، تفاسیر در شمارش مرگ‌ها دچار اختلاف شدند و در نهایت برای افراد مختلف تعداد آن را متفاوت دانستند که در سه محور توضیح داده می‌شود:

۱-۳-۴- مرگ قبل از تولد و زمان اجل

مفسرانی مرگ اول را زمان نطفگی بیان می‌کنند یا به رأی خود و یا از اقوال دیگران بیان کرده‌اند؛ ولی نقدی بر آن هم نداشتند و تولد را حیات اول و در زمان اجل معرفی می‌کنند؛ مرگ دوم و زمان بعث نیز زندگی دوم اتفاق می‌افتد. (مقاتل، ۱۴۲۳: ۷۰۸/۳؛ طوسی، بی تا: ۶۰/۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۰۴/۸؛ شهرستانی، ۱۳۸۷: ۲۴۰/۱؛ شبلی، ۱۳۷۶: ۴۶۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵۳/۵؛ ابن ابی‌جامع، ۱۴۱۳: ۱۳۱/۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۴۰/۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳۱/۲۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۲۰/۷؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۵/۱۷؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۸۵/۱۱؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۸۰/۷؛ معرفت، ۱۳۸۷: ۲۹۲/۲؛ کرمی، ۱۴۰۲: ۲۴/۷؛ قرشی، ۱۳۷۵: ۳۴۶/۹؛ سیدکریمی‌حسینی، ۱۳۸۲: ۴۶۸؛ قبیسی عاملی، بی تا: ۲۱۹/۴؛ دهقان، ۱۳۸۷: ۸۷/۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱۹۹/۳؛ ابوحنبل اندلسی، ۱۴۲۰: ۲۲۶/۹).

۲-۳-۴- مرگ در زمان برزخ و هنگام اجل

مفسرانی مرگ اول را در زمان اجل مطرح می‌کنند و حیات دنیوی را حیات اول و سپس زندگی و مرگ دوم را در برزخ می‌دانند در این بین محیط کوتاه قبر را با بحث برزخ خلط

کرده‌اند که همان برزخ بیان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۱/۱؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۳/۲۰؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶: ۴۱۰/۲۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۱/۲۰؛ سیزواری، ۱۴۱۹: ۴۷۳؛ سیزواری، ۱۴۰۶: ۲۰۲/۶؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۲۵/۸؛ صادقی‌تهرانی، ۱۴۱۹: ۴۶۸؛ حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴: ۲۹۹/۱۴؛ امین، بی‌تا: ۲۷۷/۱؛ موسوی سیزواری، ۱۴۰۹: ۲۵۱/۴؛ داورپناه، ۱۳۶۶: ۳۷۶/۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۳۲/۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۵۱۳/۱۱).

۳-۳-۴- مرگ در رجعت

تفسیر روایی نیز در ذیل این آیه به روایات و اخبار رسیده، بسنده‌کرده‌اند و معنای آیه را در بحث رجعت مطرح می‌کنند (قمی، ۱۳۶۳: ۲/۲۵۶؛ فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۳۷/۴؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵۱۳/۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۷۴۹/۴؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۳۲۱/۴؛ شیر، ۱۴۰۷، ۳۳۶/۵؛ شیر، ۱۴۱۰: ۴۴۰؛ زبیدی، ۱۴۲۸: ۳۸۸/۶) به عبارت دیگر یکبار مرگ طبیعی و یکبار در زمان رجعت که البته عده‌ای اشکال گرفتند که با مرگ و زندگی در زمان بعث شمارش آن صحیح به نظر نمی‌رسد و جای بررسی بیشتری دارد (طوسی، بی‌تا: ۶۰/۹).

۵- رجعت و کافران

روایات متواتر با این مضمون که عده‌ای از مردگان در آخرالزمان قبل از برپایی قیامت، به دنیا برمی‌گردند، وجود دارد؛ اما در اینکه رجعت‌کنندگان چه کسانی هستند؟ کیفیت رجعتشان و چه حوادثی در آن زمان پیش می‌آید؛ در این موضوع اخبار آحادند و موجب یقین نیست. قبول بحث «رجعت» علاوه بر ادلة نقلی قرآن و روایت، مورد اجماع علمای شیعه نیز واقع شده‌است (حیدرزید، ۱۳۸۴: ۱۰۸؛ حرعاملی، بی‌تا: ۲۹). به عنوان مثال آمده‌است که: «...إِنَّ الرُّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَصَّ الْإِيمَانَ مُحَضًّا أَوْ مُحَضَّ الشِّرْكَ مُحَضًّا» (مجلسی ۱۴۰۳: ۵۳/۳۹). بازگشت به دنیا برای همه نیست؛ فقط اختصاص به مؤمن و کافر محض دارد. اثبات بحث رجعت و بررسی روایات آن به صورت مستقل در

بررسی آیه ۱۱ سوره غافر و ارتباط آن با بحث رجعت با رویکرد پاسخ به شبهات ۲۴۵

پژوهش‌های متعدد صورت گرفته‌است؛ مطلبی که در این تحقیق ضروری می‌نماید؛ خصوصیات کافران و اهدافی است که بر آنها ذکر شده‌است؛ بنابراین در قبول و رد بحث رجعت بر پایه پژوهش‌های پیشین استوار است.

۱-۵- هدف از رجعت کافران

بررسی و جمع بین روایات رجعت نشان‌دهنده که: «رجعت یعنی برگشت جمعی از مؤمنان به دنیا پیش از قیامت در زمان قائم علیه‌السلام یا پیش از آن یا بعد از آن برای دیدار دولت حقه و شادی از آن، و برای انتقام از دشمنان خود، و هم رجوع جمعی از کافران و منافقان برای انتقام از آنان، و این از عقاید مخصوص به امامیه است که بر آن اتفاق دارند و اخبار آن متواتر است و برخی آیات قرآن هم بر آن دلالت دارد (کلینی، ۱۳۷۵: ۲/۸۲۹). در نتیجه کفار و ستمگرانی که در مرحله منحنی از کفر و ظلم قرار دارند بر اساس روایات رسیده به دنیا برخواندگشت تا مورد انتقام و عذاب و ذلت آنها باشد؛ با بیان چند نمونه این اهداف مشخص می‌شود:

۱-۱-۵- انتقام از کافران

به استناد این روایت هدف از بازگشت مؤمنان انتقام از کافران است.

«...فَقَالَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قُتِلَ إِلَّا سَرَّجِعُ حَتَّى يَمُوتَ وَ لَا أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَاتَ إِلَّا سَرَّجِعُ حَتَّى يُقْتَلَ.» هیچ مؤمن شهیدی نیست مگر آنکه به دنیا بازگردد تا از دنیا برود و هیچ مؤمنی نمی‌میرد مگر آنکه باز می‌گردد تا شهید شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰/۵۳).

«قَالَ لَرَجَعَنَ نَفْسُ ذَهَبَتْ وَ لِيُقْتَصَنَ يَوْمَ يَوْمِ وَ مَنْ عُدِبَ يَقْتَصُ بِعَدَابِهِ وَ مَنْ أَعْطِيَ أَغَاظَ بَعْظِهِ وَ مَنْ قُتِلَ اقْتَصَّ بِقَتْلِهِ وَ يَرُدُّهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ مَعَهُمْ حَتَّى يَأْخُذُوا بِنَارِهِمْ ثُمَّ يَعْمُرُونَ بَعْدَهُمْ ثَلَاثِينَ شَهْرًا ثُمَّ يَمُوتُونَ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ قَدْ أَدْرَكُوا نَارَهُمْ وَ شَقُوا أَنْفُسَهُمْ وَ يَصِيرُ عَذَابُهُمْ إِلَى أَشَدِّ النَّارِ عَذَابًا ثُمَّ يُوقَفُونَ بَيْنَ يَدَيِ الْجُبَّارِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُؤَخَذُ هُمْ بِحُقُوقِهِمْ.» (همان)

افرادی که مرتکب قتل شدند برگردانیده می‌شوند تا به دست مقتول کشته و قصاص خون‌ها گرفته‌شود و دل‌های مظلومین التیام یابد؛ سپس به سوی آتش و عذاب الهی برگردانیده شده تا در محضر الهی کیفر اصلی و آخرتی خودشان را ببینند.

۲-۱-۵- به ذلت‌کشاندن کافران

روایتی که حکایت از ذلت‌کافران دارد؛ البته اخبار بسیار است و از لحاظ سندی نیز باید بررسی‌گردد ولی آنچه مسلم است؛ بیان مشترکات اخبار است:

«...مَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ إِلَّا وَ يُنْشَرُ، فَأَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيُنْشَرُونَ إِلَى قُرَّةِ أَعْيُنِهِمْ، وَ أَمَّا الْفَجَّارُ فَيُنْشَرُونَ إِلَى خِزْيِ اللَّهِ إِيَّاهُمْ...» هیچ فرد خوب و تبهکاری از این امت نیست، مگر اینکه زنده می‌شود اما مؤمنان به سوی روشنایی چشمانشان و تبهکاران به سوی ذلتی که خداوند برای آنها قرارداده زنده می‌شوند. (حلی، ۱۴۲۱: ۸۸)

۳-۱-۵- عذاب کافران

امام رضا علیه السلام در مورد عذاب کافران در زمان رجعت فرمودند:

«أَشْكُو جَفَاءَ أَهْلِ وَاِسْطٍ وَ حَمَلَهُمْ عَلَيَّ وَ كَانَتْ عِصَابَةً مِنِ الْعُثْمَانِيَّةِ تُؤْذِينِي فَوَقَعَ بِحَطِّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَائِنَا عَلَى الصَّبْرِ فِي ذُوْلَةِ الْبَاطِلِ فَاصْبِرْ حِكْمَ رَبِّكَ فَلَوْ قَدْ قَامَ سَيِّدُ الْخَلْقِ (۴) لَقَالُوا- يَا وَثِلْنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۷/۸)

همانا خداوند تبارک و تعالی از دوستان ما صبر و بردباری در دولت باطل پیمان گرفت که بر خواست الهی صبرکن، پس آنگاه که قائم ما و بزرگ خلق قیام نمایند آنها می‌گویند: ای وای بر ما چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ و فرشتگان ندا سردهند: که این همان وعده‌ی خدای رحمان و پیامبران است، که می‌گفتند.

۶- تحلیل سیاقی خصوصیات کفار در سوره‌های حوامیم

بررسی سیاقی آیه ۱۱ سوره غافر، به ارتباط با آیات قبل و بعد آن بسنده نمی‌شود؛ از انسجام آیات قرآن کریم و از به هم پیوستگی معانی آنها می‌توان مفاهیم جدیدتری را کسب کرد؛ بنابراین پس از بررسی تناسب سوره غافر با آیات هم صدورش و سوره‌هایی که از لحاظ مفهومی با این سوره هماهنگ است؛ می‌توان مشخصات کفار موجود در آیه را دقیق‌تر تعیین کرد.

۱-۶- تناسب سوره‌های حوامیم

هفت سوره پی‌درپی در قرآن کریم که با حروف مقطعه‌ی (ح-م)، به نام حوامیم نام‌گذاری شده‌است؛ از سوره غافر شروع شده‌است و به ترتیب بعد از آن فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف و از لحاظ معنایی با هم متناسب هستند. (سیوطی، ۲۰۰۰: ۱۱۰) بررسی تناسب ابتدا و انتهای سوره‌ها را چنین بیان می‌کنند: «خداوند سوره غافر را به یادآوری منکران آیات الهی پایان داد: «قُلْ إِنِّي نُحِثُّ أَنْ أُغْبِئَهُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِلرَّبِّ الْعَالَمِينَ» (غافر/۶۶) بگو: «من نهی شده‌ام از اینکه معبودهایی را که شما غیر از خدا می‌خوانید بپرستم، چون دلایل روشن از جانب پروردگارم برای من آمده‌است و مأمورم که تنها در برابر پروردگار عالمیان تسلیم باشم!» و سوره فصلت را با این آیات آغاز کرد: «بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (فصلت/۴) قرآنی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده است؛ ولی بیشتر آنان روی‌گردان شدند، از این‌رو چیزی نمی‌شنوند! وقتی خداوند سوره فصلت را با یادقرآن ختم فرمود، سوره شوری را با یادقرآن شروع کرد: «كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (شوری/۳)

سپس سوره شوری را با یادآوری از قرآن و وحی، ختم فرمود؛ «وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری/۵۲) همان‌گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر

تو نیز روحی را بفرمان خود وحی کردیم تو پیش از این نمی دانستی کتاب و ایمان چیست (و از محتوای قرآن آگاه نبودی) ولی ما آن را نوری قرار دادیم که به وسیله‌ی آن هرکس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌کنیم و تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی؛ سوره‌ی زخرف را با همان مطالب آغاز فرمود: «وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» (زخرف/۲) چون سوره‌ی زخرف را با وعده‌های عذاب و تهدیدهایی ختم کرده: «فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ وَ قُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (زخرف/۸۹) پس (اکنون که چنین است) از آنان روی برگردان و بگو: «سلام بر شما»، اما بزودی خواهند دانست.

سپس سوره‌ی دخان را با وعده‌های عذاب و هشدارهایی شروع فرمود: «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ» (دخان/۱۰) پس منتظر روزی باش که آسمان دودآشکاری پدیدآورد؛ پس از آن سوره‌ی دخان را با یادقرآن به پایان برد: «فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (دخان/۵۸) ما آن [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکر شوند! در ادامه سوره‌ی جاثیه را نیز با یاد قرآن شروع کرده: «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (جاثیه/۲) این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است! و آن‌گاه که سوره‌ی جاثیه را با یادی از توحید و مذمت اهل شرک و وعده‌های عذاب نسبت به آنان ختم فرمود: «وَ قِيلَ الْيَوْمَ نُنَسِّكُكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَأْوَاكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (جاثیه/۳۴) و به آنها گفته می‌شود: «امروز شما را فراموش می‌کنیم همان‌گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یاورى ندارید!» سوره‌ی احقاف را اول با توحید و سپس با وعده‌های عذاب نسبت به گناهکاران شروع نمود: «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲) مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ» (احقاف/۳) این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است! ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را در میان این دو است جز بحق و

بررسی آیه ۱۱ سوره غافر و ارتباط آن با بحث رجعت با رویکرد پاسخ به شبهات ۲۴۹

برای سرآمد معینی نیافریدیم اما کافران از آنچه انذار می‌شوند روی گردانند!» (طبرسی،

۱۳۷۲: ۸ / ۷۹۸؛ ۹ / ۳-۳۱-۵۹-۹-۱۰۶-۱۲۳)

۲-۶- بررسی انکار کفار در سوره‌های حوامیم

تناسب متنی و نزولی سوره‌های حوامیم بر اساس گواه نقلی روایات و بررسی سیاقی و تناسب آنها مورد پذیرش قرار گرفته است و در تمام کتاب‌های تفسیری و علوم قرآنی بر آن صحه گذاشتند. بنابراین با کنار هم گذاشتن آیات مربوط به کفار، سیاق فضای سوره‌ی غافر بیشتر مشخص می‌شود و اینکه آیا با بحث رجعت در ارتباط است یا خیر؟

۱-۲-۶- ارتباط و تناسب آیات سوره‌ی غافر

بررسی ساختاری آیات سوره‌ی غافر اهداف الهی سوره را مشخص می‌کند؛ در حقیقت آیات را در سه فصل می‌توان تنظیم کرد:

• «فصل اول، مقابله با پدیده‌ی شوم مجادله با آیات الهی است؛ با رویکرد نهی و بیان بی‌ثمری عملشان و عذاب دنیا و آخرت

• فصل دوم، دعوت به پرستش خالصانه خدا در مقابل کبر و استکبار کافران از پرستش خداست؛ تناسب این فصل با فصل قبل با دعوت مذکور در صدد از بین بردن ریشه‌ی مجادله و تقویت ریشه ایمان و مقاومت است و آن چیزی جز پذیرش دعوت خالصانه نیست.

• فصل سوم، تهدید و انذار مجادله‌کنندگان مشرک و متکبر و غره به قدرت و ثروت، با تأکید بر عاقبت مجادله بی‌ثمری شرک عذاب ناشی از تکبر و بی‌فایده‌ی تکبر و شرک و

مجادله را نیز زیر سؤال برده و نسبت به آن‌ها تهدید می‌کند.» (اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۱۲۹)

غرض اصلی این سوره بر پایه‌ی نهی از مجادله با آیات الهی است و کسانی که این رسم را ببینند، عذاب الهی حتماً گریبان‌گیر آنها خواهد شد. سیاق سوره مبنی بر عذاب در

زمان بعث است. این مطلب نشان می‌دهد سیاق آیات سوره‌ی غافر نمی‌تواند بر رجعت که بحث عذاب کافران خاص است صحه بگذارد. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹-الف: ۲/۵۹۳)

۱-۲-۶- انکار کافران در سوره‌ی غافر

در ابتدای سوره راجع به بلندپروازی‌های کفار و جدالشان به باطل به منظور از بین بردن حقی که بر آنان نازل شده‌است، سخن می‌گوید، بنابراین می‌بینیم که آیات آن یکی پس از دیگری متعرض جدال آنان، و پاسخ دادن به جدالشان می‌شود، یک‌جا می‌فرماید: «مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْزُوكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ» (غافر/۴)، جای دیگر می‌فرماید:

«الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُنْكَرٍ جَبَّارٍ» (غافر/۳۵) باز هم می‌فرماید: «أَمْ تَرَىٰ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُصْرَفُونَ» (غافر/۶۹) و با این تکرار، صورت استکبار و جدال آنان را از راه به رخ کشیدن عذابی که امم گذشته به جرم تکذیب، گرفتار آن شدند می‌شکند، و به همین منظور عذاب‌های خوارکننده‌ای را که خدا به ایشان وعده داده، با ذکر نمونه‌ای از آنچه در آخرت بر سرشان می‌آید خاطر نشان می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۰۲/۱۷)

سیاق آیه‌ی ۱۱ نشان از عدم‌پذیرش ایمان توسط کفار در دنیا و اعتراف آنها به این عمل در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی غافر است؛ پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا کفار برای رهایی از آتش عذاب روز بعث اشاره به احیاء و اماتة می‌کنند؟ با توجه به آیه‌ی ۱۰ عدم‌ایمان آنها را با اعتراف در آیه‌ی ۱۱ یعنی عدم‌اعتقاد به توحید و معاد، می‌توان تصور کرد؛ یعنی زنده‌شدن و مردن در ابتدای خلقت که کفار در آن قائل به شرک بودند؛ به گزارش آیه‌ی ۱۲ همین سوره این مطلب، اثبات می‌شود: «ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَ إِنَّ يُشْرَكَ بِهِ تُؤْمِنُوا» و عدم‌ایمان به معاد که مرده‌شدن و زنده‌شدن در برزخ را اعتراف می‌کنند. اما از آن‌جا که بحث از عذاب در میان است؛ گویی کفار در بیان این موضوع هستند، که

بگویند دو بار در بحث مرگ و زندگی عذاب دیدند و حالا به خاطر عذاب قبلی تخفیفی شامل حال آنها شود و از آتش خارج شوند؛ با این توضیح عذاب ابتدایی در برزخ به استناد: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يُؤْمُ السَّاعَةَ أَذْخَلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر/۴۶) که نشان از عذاب قبل از روز بعث می‌باشد و عذاب دوم در رجعت برای کفار در آیه اتفاق افتاده است که از روایات بحث رجعت که گذشت، برداشت می‌گردد.

در ادامه آیات بیان می‌شود که این سخن زبردستان کفار است و والیان آنها در این تقاضا سهیم نیستند و در همان کفر خود پابرجا هستند؛ چرا که از لفظ «قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا...» (غافر/۴) استفاده شده است و در زمان رجعت کفاری که در کفر محض هستند، رجعت می‌کنند و در این اعتراف نسبت به زبردستانشان اعتراضی نکردند. در ادامه آیات سوره غافر بحث کفر آنها در سه اصل دین خلاصه شده است: بحث خلقت و زنده شدن و مردن توسط خداوند یعنی توحید الهی: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ... هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ...» (غافر/۶۸ و ۶۷) و بحث رسالت انبیاء: «الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَ بِمَا أُرْسِلْنَا بِهِ رُسُلْنَا...» (غافر/۷۰) و بحث عذاب و روز معاد تا آخر سوره این چنین است.

این تحلیل نشان می‌دهد که روایات رسیده می‌تواند بحث رجعت در آیه را اثبات کند. در ادامه آیات بحث کفار در سوره‌های دیگر بررسی می‌گردد تا با این تحلیل مقایسه شود.

۲-۲-۶- انکار کافران در سوره‌ی فصلت

این سوره پیرامون اعراض کفار از کتابی که بر آنان نازل شده، یعنی از قرآن کریم، سخن می‌گوید؛ از همان ابتدای سوره، این معنا را خاطر نشان می‌سازد، و بعد از هر چند آیه یکبار همان را متعرض می‌شود؛ لازمه‌ی اعراض مشرکین از کتاب خدا انکار اصول سه‌گانه‌ی دین است که اساس دعوت حقه اسلام را تشکیل می‌دهد، و آن عبارت است از وحدانیت خدا، نبوت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و معاد، و چون چنین لازمه‌ای در کار بود، بنابراین در

باره این سه اصل مفصل سخن می‌گوید، و در ضمن بشارت و انذار می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷/۳۵۸). ارتباط این بحث همان بحث جدل کفار در سوره‌ی غافر است.

۳-۲-۶- انکار کافران در سوره‌ی شوری

صحبت از مشخصات و صفات کفار و اینکه فرشتگان برای آنها استغفار نمی‌کنند و بحث‌هایی از قبیل عذاب آنها در قیامت است، (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹-ب: ۱۳/۳۶۲) اما مشخصه‌ای که باز در این آیه تکرار شده‌است، بحث مجادله‌ی کفار است و دلایلشان پیش خداوند قابل‌پذیرش نیست و راه فراری در روز قیامت ندارند و باز بحث نسبت زنده‌کردن و مردن به دست خداوند با اشاره به این آیات: «وَ الَّذِينَ يُجَادُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶) ... يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا... (شوری/ ۱۸) ... وَ يَلْعَنُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ (۳۵) فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (شوری/ ۳۶)

۴-۲-۶- انکار کافران در سوره‌ی زخرف

در نگاه‌کلی به سوره همان سه هدف اصلی در سوره‌ی غافر باز تکرار می‌شود؛ یعنی بحث اثبات توحید و اشاره به معاد و اهمیت قرآن و فرستاده‌اش، اما مشخصات جزئی بیشتری از رفتار کفار را نشان می‌دهد و در بیان علت رفتار آنها اشاره به صفات جهل «... وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (زخرف/ ۶۶) و «... وَ مَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (زخرف/ ۴۰) و خرافات و ارزش‌های باطل و شرک «... وَ جَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاتًا» (زخرف/ ۱۹)، اسراف «... قَوْمًا مُسْرِفِينَ» (زخرف/ ۵)، تکذیب پیامبران «... كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (زخرف/ ۷)، «... إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ» (زخرف/ ۴۷)، ظلم و فسق «... إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف/ ۵۴) می‌شود.

(رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۷۸)

نکته قابل توجه این است که، خداوند همان جریان انتقام از کفار را در این آیات نیز مطرح می‌کند و به پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله واگذار نمی‌کند. اشاره به این آیات: «...فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظُرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (زخرف/۲۵)؛ «فَإِنَّمَا نَذَبْنَا بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ» (۴۱) أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ» (زخرف/۴۲) و کفار و مشرکان محض و غیرمحض از هم جدا شدند، وعده‌ای به توحید فاعلی خداوند اعتقاد دارند و از خلق اولیه خبرمی‌دهند: «... لَيَقُولُنَّ خَلَقْنَاهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ» (زخرف/۹) وعده‌ای به عنوان مستکبر به عنوان کافر محض هستند؛ ولی در سرنوشت هر دو گروه عذاب یکسان مطرح می‌گردد: «...بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ» (زخرف/۵۸)؛ «...لَا يَفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ» (زخرف/۷۵)

۵-۲-۶- انکار کافران در سوره دخان

محتوای سوره چنین است که پس از بیان نزول قرآن در شب قدر، کسانی را که در حقیقت کتاب خدا ابراز تردید می‌کنند از عذاب دنیا و آخرت بیم می‌دهد. برای نمونه، از عذاب دنیوی فرعونیان (غرق شدن در دریا) و عاقبت سخت‌تر آنها در آخرت یاد می‌کند. در مقابل گروه کافر و بی‌اعتقاد به کتاب آسمانی، از مؤمنان یاد می‌کند که بهشت‌های پر نعمت پاداش آنهاست. (ملک احمدی، ۱۴۳۵: ۵۸/۲) در این سوره نیز بحث انتقام در آیات از کفار مطرح است، اما این بار هم در دنیا و هم در آخرت و مخصوص کفاری است، که در شک هستند و برای آنان از کفر فرعون که در حد اعلی کافران بود، مثال آورده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۹/۱۸) اشاره به آیات ذیل نشان از آن است که شک کفار در مورد خداوند مربوط به بحث نزول تنها نیست به بحث زنده و مرده شدن آنها نیز هست: «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ» (۸) بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ» (دخان/۹)

نکته‌ی ارتباطی با محتوای سوره‌ی غافر برداشتن عذاب است با این تفاوت که در دنیا است نه در قیامت «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ» (دخان/۱۲) ولی چون گفتار آنها راست نیست در ایمان خداوند باز بحث انتقام را مجدد تکرار کرده‌است و به روز قیامت متصل

می‌کند: «يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ» (دخان/۱۶)؛ نکته‌ی دیگر اینکه این کفار «موت اولیه» را قبول داشتند و معاد را نمی‌پذیرفتند؛ پس نمی‌توان گفت در کفار سوره‌ی غافر منظور آنها از دو بار میراندن، ابتدا در دنیا و سپس در برزخ است چون در دنیا این اعتراف را کرده بودند: «إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَىٰ وَ مَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ» (دخان/۳۵) هرچند این آیات مخصوص فرعونیان است ولی رفتارشان همانند آنها مثال زده شده که خود آنها را نیز شامل می‌گردد. در ادامه‌ی آیات باز فضای عذاب برای آنها به تصویر کشیده می‌شود که نشان از عذاب روز محشر است؛ نتیجه اینکه رفتار آنها نشان از کفر محض است، که با برداشتن عذاب از آنها مشخص می‌گردد.

۶-۲-۶- انکار کافران در سوره جاثیه

مهمترین مطالب این سوره در بحث کفار، ادعاهای مادیون در انکار معاد و پاسخ قاطع به آنان است (آیات ۲۴-۲۶). و همان بحث توحید و معاد و نحوه‌ی عذاب کفار نیز ادامه پیدامی‌کند. نکات مشترک این سوره با بحث‌های سوره‌ی غافر اشاره به بحث احیاء بعد از موت توسط خداوند است؛ که مورد انکار قرار می‌گیرد؛ (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۸۵) البته اشاره به بحث نشانه‌های معاد است که در آسمان و زمین به وقوع می‌پیوندد و نه آن خلقت اولیه که در سوره‌ی دخان مورد قبول مشرکان بود: «وَ اٰخِیَافِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَاٰخِیَا بِهٖ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَصْرِیْفِ الرِّیَاحِ اٰیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَّعْقِلُوْنَ» (جاثیه/۵)؛ بحث مجادله در آیات الهی با آگاهی نسبت به آن نیز به نحوی تکرار می‌شود و سخن از استکبار آنها از روی لجاجت است: «یَسْمَعُ اٰیَاتِ اللّٰهِ تُنٰلٰی عَلَیْهِ ثُمَّ یُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا کَانَ لَمْ یَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِیْمٍ» (جاثیه/۸) اشاره به بحث مجازات توسط خداوند و نه مومنان در آیه‌ی (جاثیه/۱۴) نشان از عذاب اخروی کافران است که در سوره‌های پیشین نیز تکرار شده بود: «قُلْ لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یَغْفِرُوْا لِلَّذِیْنَ لَا یَرْجُوْنَ اَیَّامَ اللّٰهِ لَیْجِزٰی قَوْمًا مَّا کَانُوْا یَكْسِبُوْنَ»؛

زندگی و مرگ کفار و مومنین در این آیه متمایز نیست: «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (جائیه/۲۱) مومنان و کفار حیات و مرگ اولیه در هر دو یکسان است. با این بیان نمی‌تواند اشاره در آیه ۱۱ سوره غافر در احیاء و اماتة اولیه که در هر دو یکسان بیان شده است؛ موردی باشد که کفار آن را به عنوان ایمان بیان‌کنند، چون این امر برای آنها حل شده بوده است و نیازی به عنوان حجت برای رهایی از عذاب نیست.

در اینکه کفار مطرح، نیز باز در این سوره، کفار محض هستند؛ اشاره به آیه ۲۳ است که از عدم هدایت آنها حکایت می‌کند که راه هدایت خود را بسته‌اند و دیگر هدایت نخواهند شد: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»

در ادامه آیات، اعتقاد به زندگی و مرگ اولیه را از سمت آنها بر پایه‌ی شک و ظن اعلام می‌کند و نه یقین و در قیامت به آن ایمان خواهند آورد. پس اعتقاد به حیات و مرگ اولیه را در قیامت به آن یقین پیدا خواهند کرد و نه در دنیا؛ در صورتی که در آیات و سوره‌های قبلی این خلقت اولیه را به خداوند نسبت می‌دادند و در این آیه بیان می‌کند که آن فقط ظنی از سمت آنها است: «...فَلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَّرُ إِلَّا ظَنًّا وَ مَا نَحْنُ بِمُستَقِينِينَ» (جائیه/۳۲)

در نتیجه کفار در این سوره نیز همان بحث استکبار در سوره غافر را دارند و چون بحث از مادی‌گرایی آنها است و اشاره به عدم اعتقاد به معاد، همان شاخصه‌ی کفار سوره غافر را دارند. اما این که همان شک اولیه را بخواهند در آیه ۱۱ سوره غافر، به یقین و ایمان اثبات‌کنند؛ رد می‌شود، چرا که در همان سوره، خداوند می‌فرماید: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (۱۹) یعنی این اعتقاد نیز باطل است و از آن چه در سینه دارید و

اعتقادی به آن ندارید را آگاه است. کفر و نفاق و گناهان است که صاحبش آن را در نفس خود پنهان می‌داشت. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷/۳۲۰)

۷-۲-۶- انکار کافران در سوره‌ی احقاف

آخرین سوره از سوره‌های حوامیم که ارتباطی منسجم بین آنها برقرار است، سوره‌ی «احقاف» می‌باشد. این سوره همان بحث‌های اعتقادی: توحید و معاد و ارسال پیامبران و انکار آنها از طریق اقوام گذشته را متذکر می‌شود. از خصوصیات کافران در این سوره، که مشترک با دیگر سوره‌های حوامیم هستند؛ دارای خصوصیت: انکار معاد و استهزاء، سحر و دروغ و افسانه نامیدن قرآن می‌باشند؛ علت آن را ناشی از استکبار و انحراف از توحید بیان می‌کند، یعنی همان خصوصیت مجادله با آیات در سوره‌ی غافر اما به شکل مصداقی آن و با بیان خصوصیت قوم عاد و رفتار مشابه کفار زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مقایسه می‌شوند و سرگذشت آنها را به عنوان درس عبرت بیان می‌کند. (زرسانان، ۱۳۸۵: ۱۹ تا ۳۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۷/۲۱) انکار معاد در این سوره با بحث اعراض کفار نسبت به انذار آنها صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸/۱۸۶).

نشانه کفر محض در این سوره با این آیات معنا پیدا می‌کند: «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ» (احقاف/۵)، «...إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (احقاف/۱۰) شرک و عدم هدایت ظالمان است و علت آن کفر محض را همان استکبار و فسقی که در سوره‌های دیگر بیان کرده می‌داند: «...كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ مَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ» (احقاف/۲۰).

در تمام آیات بعد خبر از موقعیت و توصیف قیامت است یعنی این افراد در آنجا جزا داده می‌شوند. «وَ إِذَا حُشِرَ النَّاسُ...» (احقاف/۶)؛ «...إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ...» (احقاف/۱۵)؛ «أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا...» (احقاف/۱۶)؛ «وَ يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ...» (احقاف/۲۰) اما بحث جدی زنده شدن مردگان نیز، در این سوره نیز، مطرح می‌گردد: «أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ خَلْقُهُنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُخَيِّبَ الْمُتَوْتِي بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (احقاف/۳۳) و پاسخی که کفار در اعتراف به ایمان می‌دهند در این جا نیز باز تکرار می‌گردد، بدون توضیحی که در سوره غافر مبنی بر حیات و مرگ دوگانه باشد؛ فقط اعتراف به بحث توحید و معاد که در هنگام عذاب از آنها پذیرفته نیست و نشان از عدم واقعی بودن آن دارد. نکته‌ی دیگر این که عذاب کفار در این جا نیز، فقط به دست خداوند وعده داده شده است و نه پیامبر صلی الله علیه و آله و این قرینه بر این است که در زمان حیاتشان عذاب نشدند و عذاب به روز قیامت رسیده و با اشاره به آیه‌ی ۱۱ سوره غافر قبل از این عذاب یک بار دیگر نیز عذاب شدند و آن احتمالاً همان بحث رجعت و بازگشت مستکبرین و فاسقین و کسانی که در این دنیا ایمان نیاوردند، می‌باشد.

۷- تحلیل روایت با سیاق آیه‌ی ۱۱ سوره غافر

همان گونه که تحلیل شد سیاق آیات این سوره‌ها، بر سه محور اصلی اعتقادی توحید، معاد و پیامبران و در کنار آن عدم پذیرش آن از سمت مشرکین با خصوصیتی که در هر هفت سوره مشترک بیان شد و اشاره به حیات و مرگ به دست خداوند بود و با بررسی انکار آیات از سمت کفار عذابی دردناک به آنها وعده داده شده، که در هنگام عذاب قیامت اقدام به اظهار ایمان می‌کنند، تا شاید از عذاب رهایی شوند و این نوع وعده عذاب در رجعت به کفار محض نیز داده شده است؛ آنچه مورد توجه است، این که با اشاره به دوبار مرگ و زندگی که یکی حیات و مرگ دنیوی باشد و یکی حیات و مرگ برزخی، سازگاری ندارد، چرا که سیاق آیات خبر از عذاب اخروی است و توسل به اثبات مرگ و زندگی آن هم دوبار نشان از تأکید است، که از آن رهایی پیدا کنند در صورتی که آنها را متنبه کند، سازگاری دارد و در سراسر آیات نشان از این است که حتی اگر در لحظه عذاب بازگردند باز به همان کار سابق می‌پردازند و فقط برای رهایی از آتش چنین ادعایی دارند. (مجلسی، بی تا: ۳۴/۶۴-۳۵) اما بحث تنبیه با عذاب بیشتر سازگاری دارد، یعنی با دو بار عذاب در

زمان برزخ (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵: ۵۵۳/۳) و رجعت، ما متنبه شدیم و از عذاب اخروی ما را رهایی دهید. در بحث بیداری انسان‌ها آمده‌است که برزخ نسبت به عالم دنیا بیداری است و قیامت نسبت به برزخ، چنانکه کافران در بعث می‌گویند: «...یا وَیْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا...» (یس/۵۲) این آیه نیز نشان می‌دهد: کفاری هستند که حتی در برزخ هم متنبه نشدند و زمان بیداری آنها در زمان بعث است. (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۶۲؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۹-ج: ۸۳/۲۰)

جوادی آملی و فاضل لنکرانی این تحلیل را که آیه ۱۱ سوره‌ی غافر مربوط به رجعت باشد را با سیاق خود آیه سازگاری نمی‌دهند و تحلیل آنها این است:

«أما در رجعت همه بشر «مِنَ الْأُولَیْنَ وَ الْأَآخِرِیْنَ» که نمی‌آیند، یک گروه خاص می‌آیند و در تمام روایت‌های رجعت هم همین است که «فی الجمله» می‌آیند، نه «بالجمله»؛ یعنی جمیع بشر «مِنَ الْأُولَیْنَ وَ الْأَآخِرِیْنَ» در رجعت زنده می‌شوند، عدّه زیادی زنده می‌شوند، بله زنده می‌شوند! لکن این افراد از آنها نیستند. بنابراین از حرف اینها نفی رجعت بر نمی‌آید، چه اینکه اثبات رجعت هم با این، کار آسانی نیست، به دلیل اینکه اینها گفتند: «...رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَیْنِ وَ أَحْیَیْتَنَا اثْنَتَیْنِ...» (جوادی‌آملی، ۱۳۹۶: ۷۳۶) که حیات و مرگ درآیه، دنیوی و برزخی است و سیاق آیات فضای قیامت را به صورت عمومی برای کفار مطرح می‌کند؛ چون فضای لحظه‌ی عذاب است، نمی‌تواند مربوط به رجعت باشد. (جوادی‌آملی، ۱۳۹۳: ۵۹۰/۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶)

تفاوت تحلیل مذکور با بیانات ایشان این است که ایشان می‌فرمایند: کفار، رجعت را نفی نمی‌کنند اما احتمالاً با بیان این تحلیل بشود، بحث رجعت را اثبات کرد؛ از زبان کفار با روش استفاده از «سیاق سوره» که همگی نشان از «کفار محض» هستند و خاص این آیات است، کفار با خصوصیات مطرح در آیات خاص می‌شوند و همان تعبیر «فی الجمله» را می‌گیرند و فقط مصادیق آن مشخص نیست.

نتیجه‌گیری

اختصاص مرگ و زندگی دوگانه در ذیل آیه ۱۱ سوره غافر از اختلافات تفسیری است و بیشتر مفسران از طریق آن و آیات مشابه به شمارش مرگ و زندگی انسانها در قرآن پرداختند، اما با بررسی سیاقی آیات در سوره غافر و سوره های حوامیم که با سوره ی مورد نظر هم سیاق هستند، می توان بیان کرد:

- ۱- آیه در بیان شمارش مرگ و زندگی نیست.
- ۲- خصوصیات کفار در سوره های حوامیم یکی است؛ یعنی همه ی آنها، سه اصل مهم اعتقادی توحید، معاد و نبوت را منکر هستند.
- ۳- خصوصیات کفار، نشان از کفر محض آنها است و در آیات مختلف به آن اشاره شده است و بحث عذاب آنها بر عهده ی پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشته نشده است و خداوند خود در زمان بعث آن را بر عهده گرفته است.
- ۴- مفهوم دیگری که از آیه می توان ارائه داد تعداد عذابها توسط کفار است به استناد سیاق آیه که در هنگام عذاب در روز بعث کفار چنین استدلالی می کنند.
- ۵- تفسیر دیگر «... أُمَّتِنَا اِثْنَيْنِ وَ اٰخِيَّتِنَا اِثْنَيْنِ...» با توجه به بیان عذاب در زمان قیامت، تعداد عذاب کفار است؛ یکبار در برزخ و یکبار در زمان رجعت که مورد استدلال آنهاست و برای رهایی از عذاب اخروی، متوسل می شوند و چون ایمان آنها در لحظه ی عذاب به استناد آیه ی آخر سوره غافر و روایات مورد پذیرش نیست، و باید قبل از تحقق وعده ی عذاب متنبه شوند نه در هنگام عذاب و این که آیا کفار مطرح در آیه از کفار محض در زمان رجعت هستند یا خیر با بررسی آیات و مشخصات آنها با کفار موجود در روایات مطابقت می کند.

۲۶۰ دو فصلنامه تفسیر پژوهی

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۴ق)، اعتقادات الامامیه، کنگره شیخ مفید، قم، ۲.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، (مصحح: مهدی لاجوردی)، جهان، تهران، ۱.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۳.
۵. ابن ابی جامع، علی بن حسین، (۱۴۱۳ق)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، (محقق: مالک محمودی)، دارالقرآن الکریم، قم، ۱.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، (مصحح: عبدالسلام محمد هارون)، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، (محقق: محمدحسین شمس الدین)، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱.
۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، (مصححین: محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی)، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱.
۹. ابو حیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، (محقق: صدقی محمد جمیل)، دارالفکر، بیروت، ۱.
۱۰. ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱.
۱۱. امین، نصرت بیگم، (بی تا)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی نا، بی مک، ۱.
۱۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، قم، ۱.
۱۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ق)، الصحاح، (مصحح: احمد عبدالغفور عطار)، دار العلم للملایین، بیروت، ۱.
۱۵. حسینی همدانی، محمد، (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، (محقق: محمد باقر بهبودی)، لطفی، تهران، ۱.

بررسی آیه ۱۱ سورة غافر و ارتباط آن با بحث رجعت با رویکرد پاسخ به شبهات ۲۶۱

۱۶. جزایری، نعمت الله بن عبدالله، (۱۳۸۸ش)، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، نوروحی، قم، ۱.
۱۷. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، (۱۴۲۱ ق)، مختصر البصائر، (مصحح: مشتاق مظفر)، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱.
۱۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، (مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی)، اسماعیلیان، قم، ۴.
۱۹. خسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰ق)، تفسیر خسروی، (محقق: محمدباقر بهبودی)، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱.
۲۰. دامغانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق)، الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز، (محقق: محمدحسن ابوالعزم زفیتی)، وزارة الاوقاف المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة لجنة احیاء التراث الاسلامی، قاهره، ۱.
۲۱. داورپناه، ابوالفضل، (۱۳۶۶ش)، انوارالعرفان فی تفسیر القرآن، کتابخانه صدر، تهران، ۱.
۲۲. دهقان، اکبر، (۱۳۸۷ش)، نسیم رحمت تفسیر قرآن کریم، حرم، قم، ۱.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت، ۱.
۲۴. زبیدی، ماجد ناصر، (۱۴۲۸ق)، التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البيت، دارالمحجة البيضاء، بیروت، ۱.
۲۵. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹م)، أساس البلاغة، دار صادر، بیروت، ۱.
۲۶. سبزواری، محمد، (۱۴۰۶ق)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱.
۲۷. سبزواری، محمد، (۱۴۱۹ق)، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱.
۲۸. سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، (محقق: عمر عمروی)، دار الفکر، بیروت، ۱.
۲۹. سیدکریمی حسینی، عباس، (۱۳۸۲ش)، تفسیر علین، اسوه، قم، ۱.
۳۰. شاه عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳ش)، تفسیر اثنی عشری، میقات، تهران، ۱.

۲۶۲ دو فصلنامه تفسیر پژوهی

۳۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۹ش)، سیمای سوره‌های قرآن، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم، بی‌چا.
۳۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، (۲۰۰۰م)، ترتیب سوره‌القرآن، (سیدجمیلی)، مکتبه الهلال، بیروت، بی‌چا.
۳۳. شبر، عبدالله، (۱۴۱۰ق)، تفسیر القرآن الکریم، مؤسسة دار الهجرة، قم، ۲.
۳۴. شبر، عبدالله، (۱۴۰۷ق)، الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، (محقق: محمد بحر العلوم)، شركة مکتبه الالفین، کویت، ۱.
۳۵. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۸۷ش)، مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، تهران، ۱.
۳۶. شیبانی، محمد بن علی نقی، (۱۳۷۶ش)، مختصر نهج البیان، منظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية، دارالأسوة للطباعة و النشر، تهران، ۱.
۳۷. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۱۹ق)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، مکتبه محمد الصادقی الطهرانی، قم، ۱.
۳۸. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، فرهنگ اسلامی، قم، ۲.
۳۹. صافی، محمود، (۱۴۱۸ق)، الجدول فی إعراب القرآن، دار الرشید، دمشق، ۴.
۴۰. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۲.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ق)، جوامع الجامع، (مصحح: ابوالقاسم گرجی)، حوزة علمیه، قم، ۱.
۴۲. _____، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی)، ناصر خسرو، تهران، ۳.
۴۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، ۱.

بررسی آیه ۱۱ سوره غافر و ارتباط آن با بحث رجعت با رویکرد پاسخ به شبهات ۲۶۳

۴۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، (مصحح: احمد حسینی اشکوری)، مرتضوی، تهران، ۳.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیرالقرآن، (مصحح: احمد حبیب عاملی)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱.
۴۶. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، نورالثقلین، (مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی)، اسماعیلیان، قم، ۴.
۴۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، هجرت، قم، ۲.
۴۸. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، دارالملاک، بیروت، ۱.
۴۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، القاموس المحیط، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱.
۵۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، تفسیرالصافی، (مصحح: حسین اعلمی)، مکتبه الصدر، تهران، ۲.
۵۱. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، نثارالهجرة، قم، ۲.
۵۲. قیسی عاملی، محمدحسن، (بی تا)، تفسیرالبیان الصافی لکلام الله الوافی، البلاغ، بیروت، ۱.
۵۳. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، تفسیرنور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱.
۵۴. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۶.
۵۵. قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، ۲.
۵۶. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، (مصحح: طیب موسوی جزایری)، دارالکتاب، قم، ۳.
۵۷. کرباسی، محمدجعفر، (۱۴۲۲ق)، اعراب القرآن، دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱.
۵۸. کرمی، محمد، (۱۴۰۲ق)، التفسیر لکتاب الله المنیر، علمیه، قم، ۱.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، (مصححین: علی اکبر غفاری و محمدآخوندی)، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۴.
۶۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۲.
۶۱. مدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، دار محبی الحسین، تهران، ۱.

۶۲. مجتوبی، سیدجلال‌الدین، (۱۳۷۱ش)، ترجمه قرآن، حکمت، تهران، ۱.
۶۳. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، دارالکتب‌العلمیة، بیروت، ۱.
۶۴. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۷ش)، التفسیر الأثری الجامع، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم، ۱.
۶۵. _____، (۱۴۱۰ق)، التمهید فی علوم القرآن، حوزة علمیة، قم، ۳.
۶۶. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، دارالکتب‌الإسلامی، قم، ۱.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیرنمونه، دارالکتب‌الإسلامیة، تهران، ۱.
۶۸. مقاتل، بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل‌بن‌سلیمان، (محقق: عبدالله محمودشحاته)، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱.
۶۹. موسوی‌سبزواری، عبدالاعلی، (۱۴۰۹ق)، مواهب‌الرحمن فی تفسیرالقرآن، دفتر آیة‌الله‌العظمی السبزواری، بی‌جا، ۲.
۷۰. موسوی‌گرمارودی، علی، (۱۳۸۴ش)، ترجمه قرآن، قدیانی، تهران، ۲.
۷۱. موسی، حسین‌یوسف، (۱۴۱۰ق)، الإفصاح، مکتب‌الاعلام‌الاسلامی، قم، ۴.
۷۲. ملک‌احمدی، علی‌یمان، (۱۴۳۵ق)، آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، قم، بی‌جا.
۷۳. تفسیری، حبیب‌بن‌ابراهیم، (۱۳۷۱ش)، وجوه قرآن، دانشگاه تهران، تهران، بی‌جا.
۷۴. مفید، محمدبن‌محمدبن‌نعمان، (۱۴۱۴ق)، أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، (محقق: العکبری‌البغدادی)، دارالمفید، بیروت، ۲.
۷۵. شریف‌المرتضی، (۱۴۰۵ق)، رسائل، دارالقرآن‌الکریم، (محقق: السید احمدالحسینی)، سید الشهداء، قم، بی‌جا.
۷۶. جوادی‌آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ش) -ج، تفسیر تسنیم، (محققین: مجید حیدری و حسن جلیلی)، اسراء، قم، ۱.
۷۷. _____، (۱۳۸۹ش) -ب، تفسیر تسنیم، (محقق: عبدالکریم عابدینی)، اسراء، قم، ۳.
۷۸. _____، (۱۳۸۹ش) -الف، تفسیر تسنیم، (محقق: علی اسلامی)، اسراء، قم، ۶.

بررسی آیه ۱۱ سوره غافر و ارتباط آن با بحث رجعت با رویکرد پاسخ به شبهات ۲۶۵

۷۹. حر عاملی، محمدین حسن، (۱۳۶۲ش)، الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، احمد جنتی، (مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی)، ۱، نوید، تهران.

۸۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵ش)، اصول الکافی، محمدباقر کمره‌ای، ۳، اسوه، قم.

۸۱. صدر، محمدباقر، (۱۴۰۶ق)، دروس فی علم‌الصول، دارالکتاب اللبنانی، بیروت، بی‌چا.

پایان‌نامه‌ها

۸۲. اسماعیلی، اکرم، (۱۳۹۲ش)، پایان‌نامه: تفسیر ساختاری سوره غافر، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، قم.

۸۳. حیدرزید، سیدنسیم، محمدحسن زمانی، (۱۳۸۴ش)، پایان‌نامه: رجعت از دیدگاه قرآن و سنت از منظر فریقین - با تأکید بر پاسخ‌گویی به شبهات جدید، دانشگاه مرکز جهانی علوم اسلامی مدرسه عالی امام خمینی (ره)، قم.

مقالات

۸۴. رجبی، آرش، علی نصیری، (۱۳۹۵ش)، «بررسی تفسیری مراحل امانه و احیاء مبتنی بر آیه ۱۱ سوره غافر»، مطالعات تفسیری، سال ۷، ش ۲۷، قم، صص ۱۸۰-۱۵۹.

۸۵. زرسانان، عاطفه، (۱۳۸۵ش)، «بررسی تناسب سوره‌های حوامیم»، بینات، سال ۱۳، ش ۵۱، قم، صص ۱۹-۳۶.

منابع دیجیتال

۸۶. پاکتچی، احمد، (۱۳۹۸ش)، دایره المعارف اسلامی بزرگ اسلامی: مدخل رجعت، مرکز پژوهش‌های ایرانی اسلامی. <https://www.cgie.org.ir/fa/publication/entries/12404>

۸۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۶ش)، ۱۱/۱۱/۱۳۹۳، دروس خارج تفسیر آیت‌الله جوادی آملی

سال ۹۳-۹۴، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، بی‌چا. WWW.GHBOOK.IR

۸۸. <http://www.portal.esra.ir/Pages/Index.aspx?kind=۲&lang=fa&id=NzcyNw%۳d۳۵-۵۵۵۵۸%۲۵۵۵۵۵۵۰%۳۵>

۸۹. صحرايي، فاطمه، (۱۳۸۴ش)، اعراب آیات القرآن الکریم، نشر دیجیتال: مرکز تحقیقات

رایانه‌ای قائمیه اصفهان، www.ghaemiyeh.com

۹۰. فاضل‌لنکرانی، محمدجواد، (۱۳۹۶/۷/۱۸)، تفسیر موضوعی پیرامون آیات معاد، جلسه ۳.

۹۱. <http://fazellankarani.com/persian/lessons/۲۰۸۰/>





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی